

بنام خدا

درس: تاریخ تشیع تاریخ برگزاری: سه شنبه ۹۸/۱۲/۲۷ ساعت: ۱۱-۱۳

مدرس: امیر دهقان نژاد

نظریات پیرامون پیدایش تشیع

تاریخ نویسان و متفکران درباره زمان پیدایش تشیع نظریات مختلفی مطرح کرده‌اند که در صفحات پیش‌رو مهمترین این نظریات به صورت اجمالی بررسی خواهد شد.

پیدایش تشیع در دوره حیات رسول خدا(ص)

از میان نظریات مختلف درباره پیدایش تشیع نظریه پیدایش تشیع در زمان حیات پیامبر(ص) ویژه متفکران شیعی می‌باشد. از این منظر دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که حضرت محمد(ص) در همان روز بانگ کلمه «لا اله الا الله» در دره ها و کوه های مکه بر آورد. زیرا وقتی آیه «و انذر عشیرتک الاقرین» نازل شد و پیامبر اکرم (ص) بنی هاشم را گرد آورد و به آنها هشدار داد و دل آنان را از عذاب خدا بیمناک ساخت فرمود «هر کدام از شما مرا یاری دهد او وصی و خلیفه من در میان شما باشد. هیچ یک از حاضران به درخواست آن حضرت جز علی(ع) پاسخ مثبت نداد. آیات شریفه الاکمال(مائده)، المباهله(آل عمران)، التطهیر(احزاب)، الابلاغ(مائده) والولایه(مائده) دیگر آیاتی هستند که بر ولایت حضرت علی(ع) در قرآن دلالت دارند.

بنابر این دعوت به پیروی از علی(ع) از سوی صاحب رسالت(ص) همگام و هم زمان با دعوت به شهادتین صورت پذیرفته است. همچنین اطلاق شیعه بر دوستان و پیروان علی - علیه السلام - نخست، از طرف پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - صورت گرفته است. این مطلب، در احادیث متعددی که از آن حضرت روایت شده، مطرح شده است. چنان که سیوطی از جابر بن عبدالله انصاری و ابن عباس و علی - علیه السلام - روایت

کرده که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در تفسیر آیهی «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه» (بینه / ۷) اشاره به علی - علیه السلام - کرده و فرموده‌اند: «تو و شیعیانت» روز قیامت، رستگار خواهید بود. در حدیثی دیگر پیامبر اکرم فرمود «یا فاطمه، علی و شیعیان او رستگاران فردا هستند».

نیز طبق گزارشات منابع تاریخی گروهی از بزرگان صحابه در زمان رسول خدا(ص) به ولایت و دوستی نسبت به علی (ع) معروف بوده اند، مانند: سلمان فارسی، ابوسعید خدری، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، حذیفه بن الیمان، خزیمه بن ثابت و تعدادی از این افراد در زمان بیعت گیری از مردم برای خلیفه اول، با همراهی علی(ع) به بیعت با ابوبکر سر باز زدند و به خانه آن حضرت پناه بردند بنابراین موضوع دوستی و پیروی از خاندان پیامبر(ص) به روزگاران آن حضرت بر می گردد. بر اساس روایات تاریخی پس از گذشت پیامبر(ص) که موضوع جانشینی ایشان مورد اختلاف نظر قرار گرفت همین افراد از صحابه بر اساس نص و دستور صریح آن حضرت از حقانیت خاندان طهارت که نماینده آنان علی بن ابیطالب(ع) بود سخن گفته و از امام علی(ع) به عنوان شایسته ترین نامزد خلافت جانبداری کردند.

اقدامات و سخنان امام علی (ع) در دوران حیات خویش نیز در ترویج اعتقاد مذکور در میان شیعیان نقش اساسی داشته است. ایشان در نامه‌ای که به معاویه نوشته‌اند وی را نکوهش کرده و تذکر داده است که مراد از اولوالامر که خداوند اطاعت از ایشان را فرمان داده اهل بیت (ع) هستند و در ادامه آورده است که «ای معاویه آیا نمیدانی امامان از ما هستند و از شما نیستند ما اهل بیت خاندان ابراهیم (ع) هستیم». مورد دیگر استناد ایشان به حدیث غدیر در آغاز ورود به کوفه پس از جنگ جمل است. در این هنگام امام مردم را در مسجد کوفه جمع کرده و درباره ی ماجرای غدیر خم سوال فرمودند و ۱۲ نفر از حاضران که خود در ماجرای غدیر خم حضور داشتند به صحت آن شهادت می‌دهند.

شواهد زیادی وجود دارد که در میان پیروان حضرت علی کسانی بودند که نه ارادات عادی بلکه به امامت الهی آن حضرت اعتقاد داشتند. به عنوان نمونه خزیمه بن ثابت پس از بیعت با امام علی می گفت ما کسی را برگزیدیم که رسول خدا (ص) او را برای ما برگزید. ابوذر که در زمان عثمان در گذشت مردم را به سوی اهل بیت فرا می خواند. او خطاب به مردم می گفت: «ای امتی که پس از رسول خدا متحیر مانده اید اگر کسی را که خدا مقدم داشته بود مقدم می داشتید و کسی را که خدا مؤخر داشته بود مؤخر می داشتید و ولایت و وراثت را در اهل بیت پیامبران می نهادید از همه نعمتها از هر سوی بهره مند می شدید» مالک اشتر در وقت دعوت مردم به بیعت با امام علی می گفت «هذا وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء». روایت های بسیار دیگری از اصحاب برگزیده و شاخص پیامبر مثل سلمان و مقداد در خصوص فضیلت حضرت علی در منابع موجود می باشد. این که اینان و بسیاری از یاران شیعه حضرت علی(ع) او را وصی می دانند بدان معناست که تصورشان از ایشان بسی فراتر از عنوان خلیفگی است که وی با بیعت مردم به دست آورده است. مجموعه این نقل ها حکایت از شکل گیری جریانی دارد که امام علی را به عنوان امامی که از سوی رسول خدا معرفی شده می شناسد. آنان حقانیت امام را در وصایت او نسبت به رسول خدا دانسته و از دیگران می خواستند که از او به عنوان وصی رسول خدا پیروی کنند.

پیدایش تشیع در روز سقیفه

برخی از مورخین و متفکرین، شیعه را گروهی میدانند که پس از رحلت پیامبر، در ماجرای سقیفه و در مخالفت با انتخاب خلیفه اول شکل گرفته است. روایت یعقوبی، مستند تاریخی طرفداران این نظریه است که در آن آمده: «جماعتی از مهاجران و انصار، از بیعت با ابوبکر سرباز زدند و به علی بن ابیطالب گرویدند. عباس بن عبدالمطلب، فضل بن عباس، زبیر بن عوام بن عاص، خالد بن سعید مقداد بن اسود، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، براء بن عازب و ابی بن کعب از این گروه بودند».

ابن خلدون نیز از جمله مورخینی است که پیدایش شیعه را در ماجرای سقیفه میدانند. از میان مورخین و متفکرین شیعه نیز نوبختی در کتاب فرق الشیعه قائل بدین نظریه می‌باشد. وی در این باره آورده است بعد از وفات پیامبر (ص) امت اسلام به سه فرقه منقسم شد.

«گروهی شیعه نامیده شدند و ایشان هواه خواه علی بن ابی طالب (ع) بودند و همه ی فرقه های شیعه از آن منشعب شدند.

گروهی دعوی فرمانروایی و حاکمیت برای خودشان شدند و ایشان انصار بودند که مردم را به امارت سعد بن عباد خزر جی می خواندند

گروهی به بیعت ابوبکر بن ابی قحافه گراییدند و گفتند که پیغمبر هرگز کسی را به جانشینی خود مشخص نکرد و انتخاب امام را به اختیار امت واگذار کرد تا هر که را خواهند و از وی خشنود باشند برگزینند»

ابوبکر، عمر، ابوعبیده جراح، مغیره بن شعبه از این دسته بودند و در مقابل انصار مدعی شدند که پیامبر (ص) فرموده اند که امامان باید از قریش باشند و جز قریش را امامت نسزد. از این رو انصار جملگی بیعت کردند جز سعد بن عباد که به شام رفت و در جنگ با رومیان کشته شد.

از میان مورخین و اندیشمندان معاصر دکتر احمد امین، دکتر حسن ابراهیم حسن و برنارد لوئیس از جمله کسانی هستند که همانند مورخین یاد شده عقیده دارند که شیعه در ماجرای سقیفه و انتخاب جانشین پیامبر شکل گرفته است. بررسی منابع و اسناد تاریخی نشان می‌دهد سقیفه اولین نقطه بروز شدید اختلاف و دسته بندی میان مسلمانان بوده است . در این حادثه گروهی از مسلمانان و اصحاب به انتخاب ابوبکر معترض گشتند، برخی اعتراض خود را بیان داشتند و برخی نیز به علت مصلحت راه سکوت را در پیش گرفتند. طرفداران امام علی (ع) نیز نارضایتی خود را از انتخاب نشدن آن حضرت ابراز داشتند. از این رو برخی از مورخین قدیم و پژوهشگران

جدید این حادثه را نقطه آغاز پیدایش تشیع انگاشته اند. حال آنکه بروز و آشکار شدن اختلاف یاد شده نمی تواند دلیلی بر خلق یک جریان فکری و اعتقادی بزرگ همچون تشیع در همان لحظه حادثه باشد.

پیدایش تشیع در جریان قتل خلیفه عثمان و بیعت مردم با امام علی(ع)

پس از به خلافت رسیدن عثمان، وی اقداماتی را انجام داد که باعث نارضایتی مسلمان شد از جمله به کار گماردن اقوام و نزدیکان خود بویژه بنی امیه در مسولیت ها و حکومت مناطق مختلف و بذل و بخشش بی حساب از بیت المال. همچنین، مروان بن حکم ملقب به «طرید الله» که به همراه پدرش (به خاطر افشای اسرار پیامبر نزد بزرگان قریش) توسط پیامبر(ص) تبعید شده بود و این تبعید در زمان خلیفه اول و دوم همچنان پا بر جا بود در زمان عثمان از تبعید باز گردانده شد وی که ثروت زیادی از فتوحات غربی اندوخته بود به منصب کاتب و مشاور خلیفه سوم رسید. دیگر آنکه عبدالله بن سعد بن ابی سرح برادر رضاعی عثمان، که زمانی کاتب وحی بود و بعد مشرک شد و رسول خدا(ص) خون وی را مباح دانست توسط عثمان پناه داده شد و بعدها به جای عمر بن عاص حاکم مصر گردید و مامور فتح آفریقا گشت. تبعید ابوذر غفاری توسط عثمان به خارج از مدینه و مرگ او و همچنین گم کردن انگشتر پیامبر(ص) که حکم مهر خلیفه را هم داشت از دیگر مواردی بود که منجر به نارضایتی مسلمانان از خلیفه سوم شده بود. عدم پذیرش درخواست های معترضین مبنی بر عزل استانداران فاسد و کشف نامه ای از عثمان که به حاکم مصر دستور داده بود شورشیان را سرکوب کند و یا به قتل برساند سبب شد شورشیان وی را مهلت ندهند و او را در حال خواندن قرآن به قتل برسانند. به دنبال قتل عثمان در سال ۳۵ هجری، مردم به امام علی (ع) روی آوردند و با وی بیعت کردن. برخی از مورخان و مستشرقان معتقدند که شیعه در این روز پدیدار گشت و به کسانی اطلاق می شود که از پسر عمو و داماد پیامبر(ص) در برابر حزب عثمانی یا طرفداران معاویه حمایت می کردند و مقابل آنها قرار گرفتند چرا که این گروه امام علی (ع) را مسئول قتل عثمان می دانستند. این در حالی بود که بر اساس روایات تاریخی امام علی(ع)

به هنگام محاصره خانه‌ی خلیفه به خانواده ایشان آب می‌رساند و فرزندان خود را به همراه عبدالله بن زبیر به محافظت از جان عثمان گمارده بود و هنگامی که از قتل وی آگاه شد فرزندان خود را مورد سرزنش قرار داد. اما نعمان بن بشیر پیراهن خونی عثمان را از همسر او گرفت به شام رفت و معاویه با استفاده ابزاری از این پیراهن شروع به متهم کردن امام علی (ع) در ماجرای قتل عثمان کرد و گروهی به دور وی جمع شدند که شیعه عثمانیه نام گرفتند.

ابن حزم اندلسی از جمله کسانی است که روز قتل عثمان را آغاز پیدایش گروه شیعه ذکر کرده است. هاینز هالم، یولیوس ولهاوزن، مارشال هاجسنو و ر.آ. نیکلسون نیز از جمله کسانی هستند که معتقدند که شیعه به دنبال قتل خلیفه سوم و در نبرد قدرت میان طرفداران امام علی (ع) و طرفداران عثمان و معاویه شکل گرفته است. قائلین به این نظریه نیز، به مبانی اعتقادی شیعه، جایگاه امام علی (ع) در نزد پیامبر (ص) و معرفی وی در یوم غدیر هیچ گونه اشاره و توجهی نکرده و شیعه را در قالب یک جریان و حزب سیاسی تصور کرده که آبخشور پیدایش این تفکر، بعد از قتل عثمان برای کسب قدرت بوده است.

پیدایش تشیع بعد از جنگ جمل

به دنبال مخالفت طلحه و زبیر با امام علی (ع) آنها به بهانه زیارت خانه خدا به مکه رفتند و عایشه همسر پیامبر (ص) را با خود همراه ساختند و با سپاهی در حدود سه هزار نفر به سمت عراق حرکت کرده و والی دست نشانده امام علی (ع) در بصره را با خفت بیرون کردند. در نهایت نبردی میان دو گروه (جنگ جمل در سال ۳۶ هجری) در گرفت. زبیر از میدان نبرد گریخت و در بیابان کشته شد. طلحه که زخمی شده بود توسط مروان بن حکم کشته شد چرا که مروان وی را قاتل عثمان می‌دانست. عایشه نیز توسط امام علی (ع) با احترام همراه با برادرش محمد بن ابی بکر روانه‌ی مدینه گردید. برخی نظیر ابن ندیم در الفهرست جنگ جمل را آغاز جبهه گیری دو گروه شیعه و سنی می‌داند. این نظریه تشیع را نوعی عکس العمل عقیدتی و مذهبی گروهی از

یاران و پیروان علی(ع) در برابر مخالفان وی می داند که می گفتند امامت امری عمومی است و ویژه افراد خاص نیست. بر اساس این دیدگاه شیعیان در مقابل تکفیر علی(ع) از سوی مخالفان به تنزیه وی پرداختند و امامت او را نیز یک واجب الهی اعلام کردند.

پیدایش تشیع در ماجرای جنگ نهروان و ظهور خوارج

پس از ماجرای حکمیت و فریب خوردن ابوموسی اشعری از عمرو عاص گروهی که خود امام علی (ع) را به قبول حکمیت واداشتند پس از جنگ صفین و شکست حکمیت با شعار «لا حکم الا لله» قبول حکمیت را گناهی بزرگ شمردند، از بیعت با امام علی(ع) سر باز زدند و امام را کافر دانستند. این گروه که مارقین یا خارج شدگان از دین (خوارج) نام گرفتند در نبرد نهروان (۳۸ هجری) از امام علی(ع) و یارانش شکست خوردند. از آنجا که این نبرد در منطقه ای بنام حَرَوْرَا رخ داد به خوارج، حروریه هم می گفتند. برخی تشیع را عکس العمل یاران امام علی (ع) و دفاع از وی را در برابر خوارج دانسته اند و واژه شیعه را معادل واژه حزب و در مقابل با حزب خوارج دانسته اند که در جریان نبرد نهروان شکل گرفته است که با توجه به مستندات تاریخی که در فوق اشاره شد این نظریه نیز نمی تواند صحت داشته باشد.

پیدایش تشیع توسط عبدالله بن سبا

بر اساس این نظریه، شخصی یهودی الاصل، اهل صنعا، از راه خدعه و فریب، به ظاهر اسلام آورد. او به تدریج، بین مسلمانان نفوذ پیدا کرد و مردم را به سوی علی(علیه السلام) دعوت نمود و او را در خلافت، بر حق می دانست. عدهای از مسلمانان از او پیروی کردند و خود را «شیعه علی» خواندند، بدینسان، مذهب «شیعه» شکل گرفت. به نظر ابن سبا، علی(علیه السلام) کشته نشده، بلکه زنده است، به آسمان عروج کرده و دوباره به زمین بازمی گردد و قیام می کند.

آنچه از منابع معتبر تاریخی و کلامی برمی آید، نشان دهنده آن است که در قرن اول هجری، چنین نظریه‌ای درباب پیدایش مذهب شیعه وجود نداشته و حتی مخالفان تشیع آن را ادعا نکرده‌اند. بر اساس تحقیقات مفصلی که انجام شده، در سده دوم هجری، شخصی به نام سیف بن عمر این ماجرا را نقل کرده است. سیف روایات زیادی نقل کرده که بیشتر آنها با روایات و شواهد معروف تاریخی سازگاری ندارد و بدین دلیل، شیعه و سنی قایل به ضعف خبرهای او هستند و او را «کذاب» و «وضّاع» می دانند، به خصوص درباره عبدالله بن سبا و پیدایش جریان تشیع توسط وی که محققان شیعه و سنی و حتی شرقشناسان غیرمسلمان درباره آن تحقیق کرده و ساختگی بودن این ادعا را اثبات نموده اند.

پیدایش تشیع در حادثه کربلا

حادثه عاشورا علی‌رغم ناگواری برای شیعیان نقطه عطفی در تاریخ تشیع شد و راه رشد و گسترش تشیع را فراهم آورد و در تکوین تشیع سهم بسزایی ایفا کرد. تاثیر فراوان این حادثه بر تاریخ تشیع به حدی بود که افرادی نظیر بروکلمان این حادثه و شهادت امام حسین(ع) را آغاز برآمدن مذهب تشیع می‌دانند. اینگونه می‌نماید صاحبان این تفکر بین پیدایی و تکامل تفکر شیعی و اتفاقات سیاسی ناشی از تفکر شیعی و حادثه کربلا از جمله قیام توابین و پیدایش فرقه های شیعه نظیر کیسانیه خلط کرده و ظهور این جریان های سیاسی را را برابر با پیدایش تشیع دانسته و آن را به حساب کل جریان تشیع گذاشته اند.

پیدایش تشیع توسط ایرانیان

نظریه ایجاد تشیع توسط ایرانیان به طور عمده از سوی کسانی مطرح شده است که معتقدند سیاست انتقام از خلفا و مخالفت با نظام موجود از سوی ایرانیان موجب پیدایش شیعه شده است. بر اساس این نظریه رفتار دستگاه

خلافت با ایرانیان و از سوی دیگر عدالت محوری ائمه(ع) عامل اصلی نفرت ایرانیان از دستگاه خلافت و گرایش به ائمه و در نتیجه شکل گیری تشیع شده است.

در کتاب شیعه در اسلام به نقل از لوتروب ستوارد آمده است: « ایرانیان می کوشیدند دارای استقلال داخلی بشوند و نخستین چیزی که اندیشه کردند این بود که خلافت اهل سنت را انکار کرده، خود را یاور اهل بیت پیامبر(ص) که حق آنها پایمال شده جلوه دهند و به این وسیله مذهب تشیع در ایران به وجود آمد».

ادوارد براون نیز در کتاب تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا فردوسی آورده است: « شخص عمر خلیفه ثانی سنت و جماعت هم بدان سبب نزد شیعه مورد نفرت است که امپراطوری ایران را نابود ساخت. کینه ایرانیان نسبت به عمر اگر چه در لباس مذهب ظاهر شد، محل هیچ گونه شبهه و تردید نیست. کلیه متشیعین منکر و دشمن سه خلیفه نخستین، هستند و معتقدند که علی پسر عم پیامبر(ص) و شوهر دختر او، که پیامبر او را جانشین خود کرد بایستی پس از رسول خدا خلیفه مسلمین می شد.»

اندیشمندان یاد شده بدین علت پیدایش تشیع را به ایرانیان نسبت می دهند که به مباحث اعتقادی و کلامی شیعه نپرداخته اند و به خاستگاه تاریخی آن توجه نداشته اند. از نظر اینان پیدایش تشیع یک رویداد صرفاً سیاسی بوده است و نه اعتقادی و براین باورند شیعه یک گروه سیاسی محض بوده که تنها در پی کسب قدرت سیاسی برای تشکیل حکومت و جانشینی پیامبر(ص) و رقابت با رقیبان بوده است.

البته کسانی نیز هستند که با این دیدگاه مخالفت کرده اند، گلدزیهر در کتاب العقیده و الشریعه ذکر میکند: «این گفته خطاست که کسی بگوید منشا و مراحل رشد تشیع از اثر تعدیل یافته افکار ایرانیان در اسلام است. این توهم شایع مبتنی بر درک غلط حوادث تاریخی است. حرکت علویین در یک منطقه عربی خالص شکل گرفته است. او می افزاید: تشیع همچون خود اسلام منشا عربی داشته کما این که اصول او نیز در همان محیط عربی شکل گرفته است.

